



# پان ترکیسم و وطنی!

نقدی بر کتاب ترکان مغولی نوشته ی حسن راشدی

داوود - مهرانی  
قسمت اول

آتشی را که تازیان و از پس آنان ترکان مغولی و بازمانده گان آن ها از ۱۴۰۰ سال پیش در ایران برافروختند، سده های دور و درازی کشورمان جولان گاه یکی از عقب ماندندترین و وحشی ترین اقوام تاریخ گردید. قتل عام ها آغاز شد، فرهنگ، تمدن، کتاب و اندیشه سوزی رواج یافت و تفکر رواخواهی، رواداری و مسالمت جویی نژاد ایرانی را منهدم کرد.

ترای کهن پیر جاوید برنا  
ترا دوست دارم اگر دوست دارم  
ترای گران مایه دبیرینه ایران  
ترا ای گرمی گهر دوست دارم<sup>۱</sup>

این کتاب مدح نامهای است از ما قبل تاریخ تا امروزه برای ترکان جهان، از گستره ترکستان، چین و مغولستان، آسیای میانه، قفقاز، ارمن، ترکیه و سرتاسر ایران و ناسزا گوئی و اتهام به فرهنگ ایرانی، به پارسیان، ساسانیان و دیگر سلسله های پادشاهی ایران.

هرگونه ژاژی که به فرهنگ تو تازد  
چنانکه تر از نوحه زاغ و زغن است آن  
این کتاب در هفته اخیر به دستم رسید به دلایل زیر نقدی و اعتراضی به این مدح نامه دارم.

۱- آذری هستم، تمامیت خواه برای سرزمین نیاکانی و باستانیم ایران زمین با حفظ وحدت ملی.

۲- شناخت کافی درباره پان ترکیسم قدیم و جدید دارم.

۳- به علت شرایط خاص جهانی و ژئوپولتیک سرزمین مان، نگران واژه جدید وارداتی با نام «قومیت خواهی» برای شکستن وحدت ملی و تبعات آن، نمونه آن را در جهان می بینم؛ با خصم بلداندیش تو هر کو بستیزد

هم رستم و هم بایک شمشیرزتم هست  
از نظر نویسنده کتاب، کوروش کبیر خون آشام

است و چنگیز خان مغول از خاندان اصیل که  
گوئی باغ نجات را در روده و واحد خصایل  
حمیده و شریف با روحی شاهانه می باشد و مرگ  
او ضایعهای عظیم برای جهان بریزا نو مردی بوده  
فرزانه و محتاط.

از تیغ عدویت به درازی زمانها  
بس زخم جگر سوز کهن بر بندم هست  
از تیمور ازبک نیز تجلیل و ستایش شده ولی  
دلریوش بزرگ به علت بویین گوش و بینی  
دشمن به یاد ملامت گرفته شده است! آن  
تیموری که از کله دشمنان کوه می ساخته است  
تظهير و دلریوش تخریب می شود.

زبوج جهان هیچ اگر دوست دارم  
ترای کهن بوم و بر دوست دارم

رومن رولان می نویسد: «رک و راست سخن  
بگو، بی پیرایه سخن بگو، برای آن  
بگو که مفهوم کردی نه مفهوم گروهی،  
ظریف و نکته سنج بلکه مفهوم هزاران  
تن، مفهوم ساده ترین، حقیرترین مردم  
و هرگز از آن نترس که بیش از همه  
مفهوم کردی، سخنت را بی ابهام و بی  
پرده بگو، روشن و استوار و در صورت  
لزوم به زمختی بگو، چه باک از این  
استوار تر بر زمین بایستی و اگر برای  
آن که اندیشه ات را بهتر رسوخ دهی،  
حتا یک کلمات به هدر نرود، نگذار تا

بی محتوا و سبک شود»

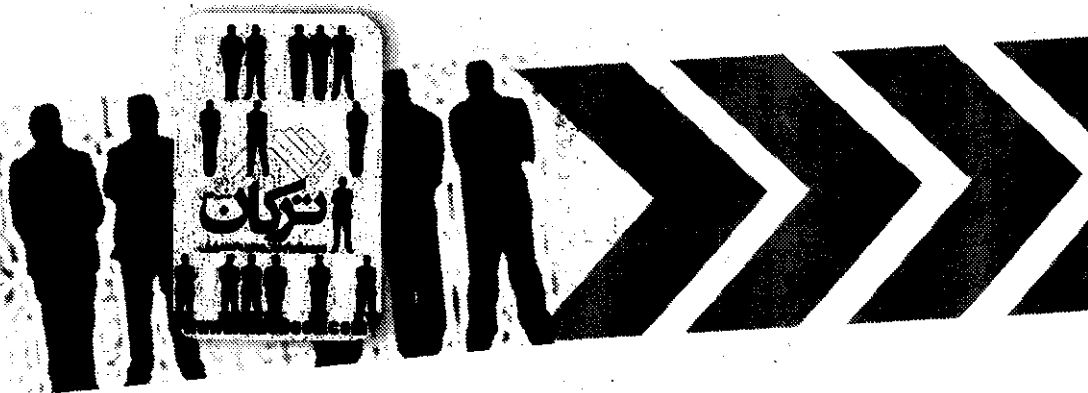
اقرار دارم به محقق هستم، نه مورخ و نه نویسنده  
حرفهای، من اول ایرانیم، دوم آذری.  
«چو ایران نباشد تن من مباد»

در این کتاب، ترکان برترین نژاد زبان ترک  
همان زبان سومریان و ایلامیان (تورانی)، مادها  
و اشکانیان نیز تبار ترک دارند سومریان اجداد  
قدیمی ترین ترکان به حساب می آیند ممکن  
است سومریان در اصل مغولی باشند!

آن که باطل را به حق ترجیح نهد  
خوبیش را در چشم حق باطل نمود  
حق بر جوی و حق بین و حق گذار  
راست رو خود را به حق مایل نمود

در این کتاب تمامی نخبگان آذربایجان چون  
زنده یاران احمد کسروی، رضا زاده شفق و تقی  
زاده خائن هستند جرم آنان این است زبان آذری  
را ترکی نمی دانند زنده یاران عباس اقبال آشتیانی،  
دکتر غلامحسین صدیقی و دکتر محمود افشار  
که به تأیید نویسنده کتاب میلیاردها تومان ثروت  
شخصی خود را برای ترویج فرهنگ ایرانی  
وقف کرده هم آوا با بیگانگان هستند! پارسیان  
فاقد تمدن، فارسی زبان ناقص، ترکی زبان بلیغ  
گسترده و نژاد ترک بهترین نژاد است نویسنده  
مدعی است: «شاه اسماعیل صفوی از ترکی  
شدن سرتاسر ایران جلوگیری کرده است!»<sup>۲</sup>  
به نظر دکتر گوینز (رایس سوم) تولد دوباره یافته

۱- اخوان ثالث  
۲- ص ۲۰۵ کتاب یاد شده



است  
در این کتاب به شاه اسماعیل صفوی، شاه عباس  
بی مهری شده و امپراتوری عثمانی ستایش  
می‌شوند پارسیمان فاقد تمدن و شایستگی و لیاقت  
و روح جنگنده‌گی هستند و ترکان شجاع -

ایرانیان به درد مستوفی‌گری و منشی‌گری ترکان  
سلحشور می‌خورند و نیز متهم شده‌اند که با  
محارم خود زنا می‌کردند شمری هم از همپالکی  
یان ترکیست خویش آورده‌است.

حالاتد خوریلان سیمین بن

چه مادر، چه خواهر، چه دختر، چه زن

نویسنده مدعی است سومریان از آسیای میانه  
مهاجرت و ۴۰۰۰ سال قبل از کوروش به  
بین‌النهرین رسیدند زبان آنان «پروترک»  
یعنی پیش ترک است!

امپراتور گوگ ترک‌ها (ترکان اسمعیلی) چنین  
گفته است: تمام ملت‌ها از طلوع آفتاب در شرق  
تا زمان طلوع در جنوب شروق آفتاب در غرب و  
تائیمه شب در شمال همه تابع من هستند. این  
ابر قدرت جهانی کیست؟ در کجای تاریخ جهان  
قرار دارد!

بر این باوریم تا آن زمان که تقسیم دو طول تاریخ  
در مقابل بیگانه‌گان، آشور و بابل دست‌اندازیم و  
فراعنه مصر را در زیر فرمان خود آوردیم؟ در  
مقابل آن قد علم کردیم. الکسندروس مقدونی را  
اگر حقیقت داشته باشد اسیر فرهنگ ایرانی کردیم،  
با روم به گزلبز پرداختیم و آن‌ها را شکست دادیم.  
هرگز تاریخ سرزمین ملاری‌مان بسته نخواهد  
شد و در سرزمینی که مردم آن تاریخ میهن خود  
را ندانند، بزرگسالان چون خردسالان هستند و  
برعکس. در سرزمینی که مردم تاریخ میهن خود  
را بدانند خردسالان چون بزرگسالان خواهند بود.  
جالب است در مقدمه کتاب یاد شده به این دوستان  
به عنوان ناسیونالیست‌های افراطی و تمامیت‌خواه  
تاختند و آنان را نژادپرست خواندند! سپس آمده

است: «چرا که مبداء تاریخ نه از زمان تشکیل  
حکومت‌های بومی در سرزمینی که امروز ایران  
می‌نامیم بلکه از زمان به حکومت رسیدن  
هخامنشیان، بیان‌کناران، پارسیمان هستند شروع  
می‌شود»

ایا قبل از ورود آریایی‌ها در سرتاسر ایران ویج  
حکومت بومی و قومی متحد و متمرکز وجود  
داشته است که آن را مبداء و مبداء تاریخ ایران  
زمین بنامیم و نیز به نوشته هرودوت دروغ نویس  
تاریخ‌استند می‌کند که آمدن بازی از یونانیان به  
پارسیمان رسیده است.

این نظریه یا دگرترین نویسنده محترم تطبیق  
نمی‌کند زیرا بر اساس باورهای ایشان در فلات  
ایران ابتدا ترکان بودند بعد پارسیمان؛ بسیاری نیز  
عکس نظر هرودوت را دارند از جمله نویسنده  
کتاب شامد بازی، چه گونه می‌شود ابتدا ترکان  
در این سرزمین لهورایی بود باشند، اما شامد  
بازی از یونانیان به پارسیمان رسیده باشد؟ یا تاریخ  
ایران دروغ است (که هست) و یا ترکان دروغ  
من گویند (که می‌گویند).

متأسفانه تاریخ‌نگاران ایران زمین برای فرزندانش  
هرگز بازخواستی نشده است. پس می‌شود آن را  
هرگونه تحریف کرده و برای مقاصد پلید سیاسی  
به ناکامان تزریق نموده می‌شود برای تجزیه  
طلبان چون پیشموری‌اشکک تمساح ریخت و لو  
را هر چه چنگیز و تیمور تظہیر نمود و آن‌ها  
را قهرمان نامید!

محققان نظر و بی‌عرض به خوبی می‌دانند که  
بسیاری از مورخان قدیم و جدید برای هدف‌های  
سیاسی و ملی خود دروغ گو و فریبکارند چنانکه  
موسیو رنلن شرق شناس فرانسوی می‌نویسد:  
«آغاز تاریخ قدیم شرق مطلقاً افسانه‌ای است. تا آنجا  
تاریخ سیاسی شرق بی معنی و ناچیز می‌باشد.  
تا آنجا انسانیت کاملاً مفقود شده است، نه صدایی از  
طبیعت بر می‌خیزد و نه جنبشی راستین و اصیل از

مردم، در این دنیای یخین چه می‌توان کرد؟»  
اما تاریخ غرب چیست؟ چپاول، غارت استعمار  
ملل آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین، جنایات  
کلیسای پاپ‌ها، کاردینال‌ها در قرون میانه و -  
آقای رنلن در این زمینه کور است و کر.

ناپلئون بناپارت می‌گوید: «هیچگاه نباید فراموش  
کرد آن چه که درباره پیروزی یونانیان در جنگ  
با ایرانیان نوشته‌اند به تمام از آن یونانی‌ها است  
که گزافه‌گویی و لاف زنی آنان مسلم است که  
افسانه ماراتون و سلامیس از آن جمله‌اند»

هیاهوی قومیت‌خواهی برای ایران دوستان تازگی  
ندارد دشمنان ایران همیشه در اندیشه‌ی تجزیه  
ایران بودند و نمونه‌ی آشکار آن قرل‌دادهای  
۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ میلادی است. زیرا دشمنان ایران  
هرگز ایران قوی را نمی‌خواهند و بر نمی‌تابند.

شمس تبریزی می‌گوید: «چون گفتنی باشد و  
همه عالم از ریش من در آویزند که مگر نگوییم  
اگر چه پس از هزار سال باشد و این سخن بطلان  
کس برسد که من خواسته باشم»

قدیمی‌ترین مناطقی که در فلات ایران ویج  
جریان باستانی دگرد زندگی بنوی در سیالک  
کاشان و شوش فعلی است.

آشکار است به هنگام ورود مهاجران آریایی  
مردمان بومی نیز در این فلات می‌زیستند و  
در نقاط ما قبل تاریخ تحولی مداوم همراه  
با تکامل و پیشرفت وجود داشته است. اما  
موانع طبیعی فلات ایران خود مانعی بوده  
در راه زندگی شهر نشینی، به هنگامی که  
در دشت بین‌النهرین گروهی به تشکیل  
اجتماعات می‌پرداختند وضع طبیعی فلات ایران  
بسیار نامساعد بوده است. منطقه‌ای که در آن  
شهرنشینی دارای تسهیلات برای پیشرفت بوده  
دشت (سوزانا) شوش و جنوب غربی خوزستان  
امروز که در واقع امتداد دشت بین‌النهرین  
محسوب می‌شود امکان‌پذیر بوده است.

نویسنده کتاب فراموش کرده است بنویسد که گروهی از مهاجرین آریایی به هر علت و دلیل فلات ایران ویج به هندوستان رفتند و با مردم آنجا در هم آمیختند و تمدن هندی را بوجود آوردند

همیشه نصف حقیقت یک دروغ کامل است و حقیقت ناقص دروغ بی نقص است. آقای راشدی ایلامیان را (توران) می نامد. معنای تور به معنای ترک نیست و معانی مختلف دارد. از جمله دلاور، پهلوان، یل. به گونه‌ای که خود زردشت نیز تور بوده و در جنگ شهید می شود. تورانیان همان آریایی‌ها هستند و جنگ استوره‌های ایران و توران جنگ ترک و پارس نیست. در حقیقت یک جنگ داخلی بین دامداران و صحرائشینان و شهرنشینان است. پاره‌ای آن را جنگ مذهبی بین مهریان (میترائیست‌ها) با مزداییان می دانند. افزون بر اینکه افراسیاب خود را از نوادگان فریدون دانسته است. تمامی اسامی پهلوانان توران ایرانی است. در مورد ازدواج با مجرم کاش محقق دانشمند شناختی هم از نهضت زردشت داشتند. به جای گشتن در ناکجاآباد ترکستان و چین و مغولستان و ازبکستان و ... برای اثبات برتری نژاد ترک نیم نگاهی به کتاب وندیداد می انداختند. آنجا که زردشت می گویند: «زناکار بزرگ دشمن و کینه

ور اهورا مزدا است، که مزدا را می آزرند، زناکار نطفه‌ها را در هم می آمیزد، دین دار و بی دین، نیک و ناپاک، دیوپرستان و گناهکاران. پس کيفر زناکار مرگ است.»

نویسنده پان ترکیست معترض است چرا؟ سبک تکین را در تاریخ غلام زاده دانسته اند! زیرا او امیرزاده بوده است! با تعصب افراطی توأم با نژادپرستی مفرط به برتری پان ترکیسم پرداخته و به نوشته تحلیل گر سیاسی و مأمور CIA آمریکا، آقای ریچارد کاتم آمریکایی نیز برای اثبات عقیده متوسل و می نویسد: «کاری که پیشه‌وری در یک سال کرد، رضا شاه در بیست سال سلطنت خود نکرده است.» و بیانیه فرقه‌ی دموکرات وابسته به شوروی سابق را «جنش» دانسته است. کاش سوابق غارت و چپاول عشایر آذربایجان قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را می دانستند. که آنان هر از چند گاهی به غارت شهرها و روستاها دست می آزدند. عظمت خانم خواهر امیر عشایر در اردبیل، اسماعیل خان سیمیتقو در خوی و سلماس، کهنه شهر و ... شیخ خزعل در خوزستان چه کرده‌اند. این کتاب به گونه‌ای مشوق نژادپرستی و تفرقه افکنی است و هم یک تبلیغ ایدئولوژیکی

سیاسی برای پان ترکیسم، چگونه یک خائن وطن فروش تجزیه طلب را با فردی مقایسه می کنند که با کوشش مستبدانه او سرزمین چند تکه ایران یکپارچه می شود. کاش قومیت خواهان درسی از یوگوسلاوی می گرفتند، سر این کشور جمهوری فدراتیو را بریدند، جنگ‌های داخلی راه انداختند، به نسل کشی و قوم کشی پرداختند سپس چند تکه‌اش کردند تا ناتو به مرزهای شرقی روسیه برسد. چون تاریخ مصرف قرارداد معروف یالتا تمام شده بود. کاش سوابق جعفر پیشه‌وری را می نوشتند، نام اصلی او چه بود؟ از کجا آمد نماینده مجلس شد؟ چرا اعتبارنامه نمایندگان حزب توده تصویب شد و اعتبارنامه پیشه‌وری ردا شوربختانه برای پیش برد یک سیاست متعفن از یک خائن تجزیه طلب قهرمان ملی می سازند! چرا یک شبه شمار اولمک وار و دومک یوخدور چون حباب شد؟ زیرا ارتش سرخ شوروی به دلایلی از حمایت آنان دست کشید و قبل از آنکه ارتش ناآماده به عبارتی منحل شده ایران به محدوده حکومت پیشه‌وری برسد، آنان توسط مردم به آن سوی مرز فراری و یا معدوم گشتند. جالب است نویسنده کتاب یاد شده واژه آذر را هم ترکی می داند! لازم است بدانند طبق آیین و نوشته‌های اوستایی آذر پسر اهورا مزدا است، جوهر ذات درخشان و فروزان فره ایزدی و کیانی را در خود دارد و مزاج آتشین آریایی را در قدرت و ثروت و لذت نمایندگی می کند. امروز همه مردم جهان شاهد قوم کشی در آفریقای مظلوم هستند. قبایل، دولت‌ها و همسایه‌های هم‌جوار که قرن‌ها در کنار هم حتا به هنگام تسلط استعمار و امپریالیسم زیسته بودند و زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند حالا که به ظاهر استقلال یافته‌اند یکدیگر را هزاران هزار می کشند، به زنان و دختران یکدیگر تجاوز می کنند و آواره می شوند. سلاخی نسل‌ها و نژادها و انسان‌ها در قبیله‌های مختلف رایج‌ترین شیوه برای گریزانیدن بومیان اصیل است. باید بدانیم حکومت شاهان ترک در ایران جزئی از تاریخ مشترک ملی ایرانیان است. غزنویان و سلجوقیان تکیه‌گاه سنگینی بر فرهنگ و تمدن ایرانی زدند. آن‌ها خود را در محاصره ایران‌گرایان سنی و شیعه مذهب یافتند و با همکاری آنان به دربار خود رونق بخشیدند و با استفاده از دانش سترگ ایرانی و خرد اندیشمندان پارسی‌گو بر اعتبار خود افزودند. فراموش نکنیم وقتی بین خواجه نظام الملک آن صدر اعظم بزرگ و یکی از نوایغ مدیریت تاریخ ایران و ملک شاه سلجوقی اختلاف افتاد، خواجه به شاه سلجوقی پیغام داد: آن کلاه سلطنت بسته به این دوات و قلم است.



نویسنده تاریخ ماد را فراموش کرده است. در مکتب پان ترکیسم قوم ماد نیز تبار ترک دارند! غافل از آنکه تاریخ آذربایجان با تاریخ مادها آغاز و دولت پادشاهی ماد چون مقدمه‌ای به تاریخ هخامنشیان پیوسته است. به گونه‌ای که از نظر مورخین یونانی دولت ماد منقرض نشده و پیروزی کوروش در جنگ با مادها به عنوان یک تغییر داخلی یاد شده است. در حالی که یکصد سال بعد یونانیان جنگ خود را با هخامنشیان جنگ ماد نامیده‌اند. حتا در عهد ساسانیان نیز «پیروکیوس» سردار و مورخ رومی به پارس و ماد اشاره می‌کند با این که حکومت دولت گونه ماد از نظر زمانی بیش از دو برابر فرمانروایی هخامنشیان بوده است ولی آنان نتوانستند بر سرتاسر ایران مسلط شوند و مورد تجاوز آشور قرار گرفتند. اگر مبداء تاریخ با هخامنشیان آغاز می‌شود به این دلیل است که در زمان کوروش ایران یکپارچه و متحد شده و به صورت یک ابرقدرت مطلق جهانی با حکومتی قدرت مند و دولت مدار در آمده بود. پان ترکیست‌ها معتقد هستند مبداء تاریخی ایران باید زمان مهاجرت سومریان از آسیای میانه باشد! هنوز معلوم نیست این قوم متمدن از کدام نقطه به بین‌النهرین مهاجرت کرده‌اند. بسیاری از محققین بر این باورند که آنان از راه دریا و خلیج فارس به بین‌النهرین

رسیده‌اند. نژاد و مبداء سومریان هنوز مورد اختلاف است. کتاب «سفر پیدایش زمین تورات» سومرها را شما خوانده است؟ بعضی پان ترکیست‌های تاریخ ساز آنها را ایزد بانوی اوستایی را هم واژه ترکی می‌دانند زیرا «آنا» به ترکی به معنای مادر است. آنها را یا ناهید فرشته نگهبان آب است. در جهان بینی آریایی پس از آشیج آتش، آب مقدس‌ترین عنصر از آشیج‌های چهارگانه‌های طبیعت است. در این کتاب تعصب ترکان عثمانی جای تعصب ایرانی‌ها را گرفته است. آیا ترکان عثمانی در طول تاریخ نخواسته‌اند آذربایجان را بزدند؟ و یا استفاده از سوه استفاده از ضعف دولت های ایران به آذربایجان تجاوز نکرده‌اند؟ آیا خصومت آنان با دولت صفویان فقط به خاطر مذهب بود؟ بر خلاف فارسی ستیزی هنوز صدها واژه فارسی در زبان ترکی امروز جهان وجود دارد. اینان چتا به واژه های زبان خود و به واژه نامه های ترک زبانان در دانش گاه ها و مراکز علمی خودشان و یا اروپا نیز توجه نکرده اند. نویسندگان کتاب‌های ۱۲ قرن سکوت و ترکان و مجلات ترکی برای توجیه ادعای خود معتقدند ما آذربایجانی‌ها تحقیر می شویم و حق ما تضییع شده است! سؤال این است: در کدامین دانشگاه مرکز

علمی، دولتی، تجاری مانع رشد و پیشرفت یک آذری شده‌اند. در تاریخ ایران در نیم قرن اخیر چندین نخست وزیر، وزیر، استاندار و فرماندار آذری قبل از انقلاب و بعد از انقلاب داشته و داریم. دادگستری ایران انباشته‌اند از قضات آذری است. پدر، استاد و مرشد نویسنده کتاب، مدیر مجله وارلیق آقای دکتر جواد هدایت چندین بار وزیر دادگستری، سناتور و ریاست دیوان عالی کشور را داشته‌اند. آیا آن ادعاهای پوچ شرم آور نیست؟ امروز گروهی برای احیای جسد پان ترکیسم و کردیسم که هر دو در سال ۱۳۳۴ امتحان و وابستگی خود را به شوروی سابق نشان دادند می‌کوشند ولی با نام قومیت خواهی! در جنگ جهانی اول ترکان عثمانی خیال جدایی آذربایجان از بیکر ایران را داشتند و نام مجسول آذربایجان را به سرزمین شمال ارس گذاشتند. وقتی سفیر ترکان عثمانی باب تهدید را گذاشتند مرحوم مدرس خطاب به او گفت:

ه- بررسی تطبیقی حمله آشور و تهاجم ضحاک به ایران شماره ۲ ماهنامه مهد ایران مهر  
۶- در آیه‌های تورات به ادامه در شماره آینده شما اشاره می‌کند و سرزمین اصلی را نقاط کوهستانی شرق ایران می‌داند

## فرم اشتراک مجله‌ی فردوسی

نام خانوادگی ..... نام پدر ..... تحصیلات .....

تعداد اشتراک ..... نوع پرداخت (نقدی - بانکی) .....

نشانی کامل پستی و تلفن متقاضی .....

مایلید از کدام شماره برایتان ارسال گردد:

ایران تک شماره: ۱۲۰۰ تومان - یک ساله: ۱۴۴۰۰ تومان - باهزینه ی پستی ۲۹۴۰۰ تومان

سپاس گزار خواهیم شد چنان چه:

وجه مورد نظر را به یکی از بانک های زیر واریز و اصل رسید را به نشانی پستی مجله: صندوق پستی ۱۴۱۰۰ ۱۸۸۶ ارسال یا به شماره اعلام شده فکس فرمایید.

اروپا و آمریکا و سایر کشورها  
تک شماره ۵ دلار با هزینه پستی ۱۲ دلار.

۱- تهران- بانک رفاه- پل حافظ - شعبه نشر- ک  
۱۶۶- جاری ۹۲۶۶۳

پیام گیر شبانه روزی:

۲- تهران- بانک ملت- سعادت آباد- میدان کاج- ک  
۶۰۵۴- جاری ۱۵۱۵/۳

نام صاحب حساب: مجله فردوسی

تلفن: